

## تجربهای معنوی که جایگزین زیبایی از دست رفته می‌شود

یکی از مخاطبان سیما اتفاقات یکی از قسمت‌های برنامه تلویزیونی «زندگی پس از زندگی» را مرور کرده و حس و حال معنوی‌اش را شرح داده است. روایت جوانی که پس از تصادف زیبایی ظاهری‌اش را از دست می‌دهد و صاحب تجربه جدیدی می‌شود.

به گزارش پرسون، «زندگی پس از زندگی» روایت افرادی است که در تجربه مرگ تقریبی، از کالبد جسم خارج شدند و تا آستانه مرگ رفتند و بازگشتند.

در این برنامه مخاطبان برنامه مهمان روایت‌های شگفت‌انگیز تجربه گران‌مرگ تقریبی از عالم غیب می‌شوند. همان‌طور که گفته شد آنها مرگ تقریبی و نه مرگ واقعی را تجربه کرده‌اند؛ بنابراین گفته‌هایشان مورد تایید تمامی کارشناسان دینی نیست.

زیبا اسماعیلی کارشناس علوم اجتماعی، احساسش پس از تماشای یکی از قسمت‌های برنامه زندگی پس از زندگی را این‌گونه روایت کرده است:

این روزها برنامه‌ای از شبکه چهارم سیما پخش می‌شود که از نوعی دیگر و با زوایایی قابل تامل و تامل است. بنده چند روز پیش بنا به توصیه دوست بزرگواری یکی دو قسمت از برنامه زندگی پس از زندگی را دنبال کردم.

به نظرم بی‌تردید تا اینجا در این چند برنامه که دیدم برنامه دوشنبه شب زندگی حامد طهماسبی از مشهد درخور توجه بود.

جوانی که در عنفوان جوانی تصادف می‌کند و شرح ماجرای بسیار دردناک را راحت تعریف می‌کند؛ چون حالا وجدانی راحت دارد و حاکی از اعتلای روح او پس از این ماجراست و زیبایی‌ای را که به خاطر آن قبل از تصادف به آن می‌نازیده و غرور داشته را از دست می‌دهد.

بیان زیبای حامد بیننده را غرق در او می‌کند و همذات‌پنداری عجیبی را در بیننده رقم می‌زند؛ چرا که مخاطب درک می‌کند او خودش است دارد این حرفها را می‌زند، خیالبافی و دروغ نیست و باور می‌کند.

گرچه بخشی از پیشانی‌اش را پوشانده؛ اما زیبایی کلام و لحن آهنگین و آن اشک‌های از دل برآمده چنان بر دل می‌نشیند که گویی مخاطب هم دوست دارد مرگ را تجربه کند و آنچه را او مشاهده کرده دریافت کند.

حامد تصادف می‌کند و تنها چند ساعتی یا کمتر با آن کس که او هیبت نورانی می‌خواندش ارتباط برقرار می‌کند و او را پله به پله در برزخی وارد می‌کند که روحش را شاهد تمام خوبی‌ها و بدی‌هایی که در زندگی‌اش داشته می‌کند.

در جایی از برنامه تعریف می‌کند؛ دعایی که پیرمرد درمانده و مستأصل در حق او در ده سالگی داشته، در تمام

مراحل زندگی به کمکش می‌آید. پیرمرد حامد را به خاطر کمک او برای پیدا کردن کفش هایش در مسجد دعا می‌کند و به او می‌گوید: «جوون پاهات درد نبینه هیچ وقت». این دعا در تمام مراحل زندگی اش و هر جا تصادف و گرفتاری ای برایش پیش می‌آید، موثر واقع می‌شود و پاهایش هیچ آسیبی نمی‌بیند و در امان می‌ماند.

این باور را چنان از عمق وجودش می‌گفت و اشک می‌ریخت و مخاطب را مجذوب خود می‌کرد که تمامیت نظارت الهی بر رفتار آدمی را به تصویر می‌کشید.

در شرایطی که روح از بدن او جدا شده، حامد در برزخ رفتن و ماندن، ناظر جسم خویش و رفتار مشاهده کنندگان تصادف بوده. حامد تمام فشار را تحمل می‌کند که برگردد به جسم اما بقول خودش آن «هیبت نورانی» اجازه بازگشت به او نمی‌دهد تا زندگی گذشته و اعمالش را به رخ او بکشد. داستان پیرمرد آنجا جذاب و شنیدنی می‌شود که وقتی حامد به گذشته او بر می‌گردد می‌بیند، همه خانواده آن پیرمرد اهل دوختن کفش هستند و هر کفشی که دوخته می‌شود، فرشتگان بر آن بوسه می‌زنند و خانواده از این که توانسته اند رزقی دیگر به دست بیاورند خوشحال هستند. حامد آنجا عمق دعای پیرمرد را که «جوون الهی پاهات درد نبینه» را درک می‌کند. این داستان نقطه ای از خوبی های زندگی حامد است که در دوران برزخ به او نمایان می‌شود.

حامد سرگذشت دیگری را تعریف می‌کند که دردناکی اش بیش از تصور ماست. گویا او در کودکی در دوران هشت نُه سالگی از بقالی محله شان پفکی برمی‌دارد و به تصریح خودش دزدی می‌کند و می‌خورد. در عالم برزخ این پفک دزدی را به رخ او میکشند. زجر و رنج رفته بر او در شرح این مقال مجال نیست اما آنجا که احساس عذاب شدید می‌کند به «هیبت نورانی» می‌گوید چه کنم نجات پیدا کنم؟

در می‌یابد پسر آن پیرمرد بقال، ایستگاه صلواتی دارد که برای فرزندان محروم لوازم التحریر هدیه می‌دهد همانجا به همان هیبت نورانی قول می‌دهد جبران کند و در کار خیر توزیع لوازم التحریر به محرومان مشارکت داشته باشد و در خواست فرصتی دیگر برای بازگشت به زندگی می‌کند. همانجا به او می‌گویند باید به قول خودت عمل کنی و او را باز می‌گردانند ...

روح به جسمش باز می‌گردد و او را برای درمان اعزام می‌کنند و بقیه ماجرای زندگی اش!

دردناک ترین کلامش آنجا بود که می‌گفت مردم به تصور اینکه او فوت کرده روی او پول کفاره می‌ریختند در حالی که هنوز نفس می‌کشیده و زنده بوده و او اینها را می‌دیده و درک می‌کرده.

حالا حامد به قول خودش جوان زیبا و رعنا مغرور، حاضر نیست تجربه به دست آورده‌اش را با زیبایی از دست رفته‌ای که نزدیک بیست بار عمل جراحی شده عوض کند.

این روایت‌ها نشان می‌دهد زندگی حتما نظم و ناظری دارد و هیچ چیز بیهوده نیست.

خدایا کوچکترین نکات از دید تو پنهان نیست ما را دریاب و به حال خودمان وامگذار.

شبکه چهارسیما برای لحظات عرفانی افطار، ویژه برنامه تلویزیونی زندگی پس از زندگی را هرروز ساعت ۱۸ روی آنتن می‌برد.